

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد شاهرود

دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق (M.A)

گرایش: جزا و جرم شناسی

عنوان:

بررسی دلائل نقض آراء کیفری در اعمال ماده ۴۷۷

قانون آئین دادرسی کیفری با تأکید بر رویه قضائی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر عسل عظیمیان

نگارنده:

محمد رضا رضایی

زمستان ۱۳۹۹



معاونت پژوهش و فناوری

منشور اخلاق پژوهش

- با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم
- ۱- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.
 - ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
 - ۳- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
 - ۴- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
 - ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
 - ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
 - ۷- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
 - ۸- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
 - ۹- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.



تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود

اینجانب محمد رضا رضایی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته حقوق که در

تاریخ از پایان نامه خود تحت عنوان " بررسی دلایل نقض آراء کیفری در اعمال ماده ی

۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری با تاکید بر رویه‌ی قضائی " با کسب نمره دفاع

نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم :

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و.....) استفاده نموده ام ، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام .

۲) این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح ، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

۳) چنانچه بعد از فراغت تحصیل قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب ، ثبت اختراع و از این پایان نامه داشته باشم ، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم .

۴) چنانچه در هر مقطعی زمانی برخلاف موارد فوق ثابت شود ، عواقب ناشی از آن می پذیریم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی: محمد رضا رضایی

تاریخ و امضاء:

تقدیم و تشکر:

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان

به پاس عاطفه‌ی سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان

که در این سردترین روزگاران بهترین پشتیبان است

به پاس قلب های بزرگشان

که فریاد رس است و سرگردانی و ترس در پناهِشان به شجاعت می گراید

و به پاس محبت‌های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند

این مجموعه را به پدر و مادر عزیزم تقدیم می کنم.

با سپاس از سه وجود مقدس:

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

موهایشان سپید شد تا ما روسفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدر گرامی ام

مادر بزرگوارم

و استاد گرامی ام سرکار خانم دکتر عسل عظیمیان.

چکیده

رسیدگی به اعتراضات آرای کیفری دادگاه‌ها از جمله مباحث مهم و عمده در دستگاه قضا است. دو راه برای اعتراض و تجدید نظر آرای محاکم دادگستری وجود دارد. پس از اجرای تجدید نظرخواهی و فرجام خواهی، نایبستی تعرضی به احکام صادره صورت گیرد. قانونگذار برای جلوگیری از هرگونه اشتباه در اجرای احکام، طرق دیگری از جمله: اعتراض از طریق دادستان کل کشور، دادستان پرونده، اعاده‌ی دادرسی و اعتراض قوه‌ی قضائیه به احکام خلاف بین شرع اضافه نموده است. این مورد در ماده‌ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است. پژوهش فوق که از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد؛ با روش کتابخانه‌ای - اسنادی به بررسی موضوع پژوهش پرداخته است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که: «چه دلایلی برای نقض آراء کیفری در اعمال ماده‌ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری وجود دارد؟»

نتایج پژوهش نشان داد که طبق ماده‌ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری به رئیس قوه‌ی قضائیه برای رسیدگی به احکام خلاف بین شرع مسئولیت داده شده است. لکن برای بهبود و تسریع در اعاده‌ی دادرسی می‌توان سیاست‌های تقنینی مناسب اندیشید.

کلیدواژگان: اعاده‌ی دادرسی، رئیس قوه‌ی قضائیه، ماده‌ی ۴۷۷، نقض آراء کیفری.

ز..... چکیده

کلیات پژوهش

۱-۱ ۱ مقدمه

۲-۱ ۲ بیان مسأله

۳-۱ ۴ ضرورت پژوهش

۴-۱ ۴ اهداف پژوهش

۵-۱ ۵ پرسش های پژوهش

۶-۱ ۵ فرضیه های پژوهش

۷-۱ ۵ پیشینه ی پژوهش

۸-۱ ۸ ساماندهی پژوهش

فصل اول: تعاریف و مفاهیم

۱۱ ۱۱ مبحث اول: تعاریف

۱۱ ۱۱ گفتار اول: تعاریف اولیه

۱۱ ۱۱ بند اول: رأی

۱۲ ۱۲ بند دوم: آئین دادرسی

۱۲ ۱۲ بند سوم: مادهی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری

۱۲ ۱۲ گفتار دوم: منابع قضائی

۱۳ ۱۳ بند اول: منابع قانونی

۱۳ ۱۳ الف: قانون اساسی

۱۵ ۱-مادهی ۵۸ ق.م.ا.

۱۶ ۲-مسئولیت مدنی و کیفری مأمورین دولتی

۱۶ ۳-مسئولیت مدنی ناشی از امتناع از رسیدگی به دعاوی

۱۷ ۴-معدوم یا مخفی ساختن نوشته

۱۷	۵- اظهار نظر یا اقدام بر خلاف حق و از روی غرض ورزی
۱۷	۶- آزار و اذیت به منظور وادار کردن متهم به اقرار،
۱۸	ج: قانون مسئولیت مدنی
۱۹	د: قانون دادگاه انتظامی قضات
۲۰	ه: رویه‌ی قضایی و دکترین حقوقی
۲۰	۱- حقوق آمریکا
۲۱	۲- حقوق انگلیس
۲۱	۳- نظام حقوقی کشورهای دارای حقوق مدون
۲۱	بند دوم: منابع فقهی

فصل دوم: رئیس قوه‌ی قضائیه و بررسی آراء

۲۴	مبحث اول: ماده‌ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری
۲۴	گفتار اول: تبیین ماده‌ی ۴۷۷
۲۴	بند اول: ضرورت وضع و تصویب ماده‌ی ۴۷۷
۲۵	بند دوم: ماهیت حقوقی درخواست اعمال ماده‌ی ۴۷۷
۲۷	بند سوم: مقایسه‌ی ماده‌ی ۴۷۷ و ماده‌ی ۱۸
۳۱	بند چهارم: نحوه‌ی اجرای ماده‌ی ۴۷۷
۳۳	بند پنجم: اشکالات ماده‌ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری
۳۴	گفتار دوم: بررسی پیگیری آراء توسط رئیس قوه‌ی قضائیه
۳۴	بند اول: نحوه‌ی اطلاع رئیس قوه‌ی قضائیه از آرای خلاف شرع

فصل سوم: رویکرد نظام حقوقی ایران به نقض آراء در دیوان

۳۹	مبحث اول: تبیین ماده‌ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری
۳۹	گفتار اول: محدوده‌ی شمول ماده‌ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری
۳۹	بند اول: معرفی آرای کیفری
۴۰	بند دوم: معرفی احکام و قرارها
۴۶	بند سوم: مراجع درخواست اعاده‌ی دادرسی
۴۷	بند چهارم: تصمیمات قابل اعاده‌ی دادرسی طبق ماده‌ی ۴۷۷

- بند پنجم: نحوه ی رسیدگی به آراء خلاف بین شرع..... ۴۹
- الف: هزینه‌ی اعاده دادرسی از آراء خلاف شرع بین ۴۹
- ب: مهلت درخواست اعاده ی دادرسی و تجویز آن..... ۵۰
- ج: ساز و کار رسیدگی در معاونت قضایی رئیس قوه ی قضائیه ۵۲
- گفتار دوم: ماده ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری و چالش های مربوط..... ۵۳
- بند اول: پیش بینی نقض آراء خلاف بین شرع با قانون..... ۵۳
- ۱- پیشینه‌ی رسیدگی به آراء خلاف بین شرع ۵۴
- بند دوم: نحوه ی اجرای ماده ی ۴۷۷..... ۵۷
- بند سوم: چالش های پیش روی اجرای ماده ی ۴۷۷ ۶۰
- الف: اختیارات رئیس قوه ی قضائیه جهت رسیدگی..... ۶۰
- ب: قلمروی اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه جهت رسیدگی ۶۱
- 1- بحث حکم یا قرار..... ۶۲
- 2- مطلع شدن رئیس قوه‌ی قضائیه از آرای خلاف شرع..... ۶۳
- 3- شناخت خلاف بین شرع..... ۶۵
- 4- اثر تشخیص رئیس قوه ی قضائیه (اخبار یا انشای حکم)..... ۶۷
- ج: بررسی صلاحیت علمی و عملی رئیس قوه‌ی قضائیه برای رسیدگی به آراء خلاف شرع..... ۶۸
- بند چهارم: ارزیابی و آثار اجرای ماده‌ی ۴۷۷ ۶۹
- بند پنجم: فلسفه و هدف قانونگذار از وضع و تصویب ماده ی ۴۷۷..... ۷۱
- بند ششم: اعاده‌ی دادرسی از طریق رئیس قوه‌ی قضائیه ۷۲

نتیجه گیری

- نتیجه گیری..... ۷۶
- پیشنهادات..... ۷۸
- منابع..... ۷۹
- چکیده‌ی انگلیسی ۸۳

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

حقوق^۱ اسلامی برگرفته از قوانین شرع اسلامی است و در اکثر موارد صرفاً ترجمه ای از منابع معتبر فقهی اسلامی و فقه امامیه است. این قواعد در جای جای حقوق ایران نمود دارد و امور ماهوی و حتی قواعد شکلی حقوق ما را شامل می شود. این امر در تعیین صلاحیت ها، وظایف و محدودیت های قاضی نیز تاثیر گذار بوده و این وظایف و صلاحیت ها بر اساس اصول فقهی و اسلامی تعیین می گردد. علاوه بر وظایف و صلاحیت های قاضی، صلاحیت های فردی و شخصیتی قضات نیز بر اساس اصول فقهی و اسلامی سنجیده می شود به موجب اصل ۱۹۷ ق.ا و به استناد ماده ۳ ق.ا.د.م و ماده ۲۱۶ ق.ا.د.ک، قضات و محاکم می بایست حکم هر دعوی را در قوانین موضوعه بیابند و تنها در صورتی می توانند بر اساس منابع فقهی یا فتاوی معتبر و یا بر اساس اصول حقوقی مبادرت به صدور حکم کنند که در خصوص موضوع مطروحه قانونی موجود نباشد. بنابر این مادامی که در قضیه و موضوعی حکم قانونی موجود باشد هیچ یک از محاکم و مراجع قضایی نمی توانند بر اساس منابع فقهی یا فتاوی - ولو معتبر - مبادرت به انشا و صدور حکم کنند. به بیان دیگر می توان گفت قضات زمانی می توانند بر مبنای منابع فقهی یا فتاوی معتبر حکم صادر کنند که در خصوص مورد حکم قانونی وجود نداشته باشد.

همچنین، از جمله چالش های قانونگذاری بعد از انقلاب اسلامی، مسأله ی پیش بینی اختیار فوق العاده-ی رسیدگی به آراء مغایر شرع و قانون برای رئیس قوه ی قضائیه و برخی مقامات عالی رتبه ی قضائی بوده است.

لذا پژوهش حاضر برای بررسی دلایل و شرایط نقض آرای کیفری با توجه به ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری پرداخته می شود.

۲-۱ بیان مسأله

در یک پرونده قضائی، قضات با همه‌ی دقت‌ها و وسواس‌هایی که به خرج می‌دهند، گاه در تطبیق موضوعات با احکام و فهم مستندات و احصاء دلایل و نظایر اینها دچار اشتباه می‌شوند. قانونگذار در مقام چاره‌جویی نسبت به اشتباهات قضائی و احکام مخالف اصول یا قوانین یا ادله یا مستندات، راه‌هایی را پیش‌بینی نموده است که حتی بعد از قطعی شدن یک حکم نیز، می‌توان به آن اعتراض و درخواست نقض آن را نمود. به این راه‌های اعتراض که بعد از قطعیت حکم اعمال می‌شود "طرق فوق‌العاده‌ی اعتراض" گفته می‌شود که عبارت است از: اعاده‌ی دادرسی، اعتراض رئیس قوه‌ی قضائیه (مصادقی از اعاده‌ی دادرسی) به دلیل جامع نبودن قوانین موجود و ضرورت اصلاح آن، طرح اصلاح قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه‌ی قضائیه به مجلس ارائه شد که در مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱۲/۸ با عنوان "وظایف و اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه" با عنوان قانون اصلاح قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه در پنج ماده تصویب شد.

یکی از نوآوری‌های این قانون حق اعتراض رئیس قوه‌ی قضائیه نسبت به آرائی است که وی ضمن بازرسی از پرونده‌ها آنها را خلاف بین شرع تشخیص دهد. این حق پیش از این در قوانین موضوعه وجود نداشت. قبل از انقلاب اسلامی نیز آخرین بررسی شکلی از ناحیه‌ی قضات دیوان عالی کشور صورت می‌گرفت و وزیر دادگستری که اختیارات وی به رئیس قوه‌ی قضائیه تفویض شده است نقشی در رسیدگی نداشت. به هر حال ماده‌ی ۴ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه‌ی قضائیه که به مسأله‌ی اعتراض رئیس قوه‌ی قضائیه از آراء می‌پردازد با هیچ مخالفتی در مجلس شورای اسلامی با اکثریت آراء به تصویب رسید. ماده‌ی مذکور چنین مقرر می‌نمود:

«ریاست قوه‌ی قضائیه سِمَتِ قضائی است و هرگاه رئیس قوه‌ی قضائیه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین شرع تشخیص دهد آن را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد داد»^۱

^۱ لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰.

تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۸ قانون ۱۳۸۱ چنین مقرر شده بود: «تبصره‌ی ۲- تصمیمات یاد شده شعبه‌ی تشخیص در هر صورت قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد مگر آنکه رئیس قوه قضائیه در هر زمانی و به هر طریقی رأی صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد شد». ماده‌ی مذکور به دلیل اشکالاتی که بر آن وارد بود دوباره در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۲۴ اصلاح شد و این بار چنین مقرر نمود:

«آراء غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان است که در قانون آیین دادرسی ذکر گردیده، تجدید نظر یا فرجام خواهی طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام خواهد شد. آراء قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور جز از طریق اعاده‌ی دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر گردیده قابل رسیدگی مجدد نیست، مگر در مواردی که رأی به تشخیص رئیس قوه‌ی قضائیه خلاف بین شرع باشد که در این صورت این تشخیص به عنوان یکی از جهات اعاده‌ی دادرسی محسوب و پرونده، حسب مورد به مرجع صالح برای رسیدگی ارجاع می‌شود»^۱

همانطور که ملاحظه می‌شود مضمون ماده‌ی ۱۸ مذکور نسبت به سابق یکی است ولی با این همه تغییرات ماهوی و شکلی زیادی کرده است، در نهایت با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ماده‌ی ۴۷۷ با همان مضمون ماده‌ی ۱۸ سابق به تشخیص رئیس قوه‌ی قضائیه مبنی بر خلاف بین شرع اختصاص یافت.^۲ جایگزین ماده‌ی ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ماده‌ی ۴۷۷ می‌باشد، در پی تصویب ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ شیوه‌ای دیگر از اعاده‌ی دادرسی تجویز شد. در این پژوهش به بررسی اجمالی ماده‌ی ۴۷۷ ق.آ.د.ک، و چالش‌ها و مشکلات احتمالی آن پرداخته شده است.^۳

^۱ پور قهرمانی، بابک، تجدیدنظر بر اساس ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مجله‌ی اصلاح و تربیت، ۱۳۸۲، ص ۴۵.

^۲ همان، ص ۷۶۱.

^۳ همان، ص ۷۶۲.

از این رو لازم است تحقیقاتی در زمینه‌ی نواقص ماده‌ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری صورت گیرد. توجه به موارد فوق، این پرسش را ایجاد می‌کند که: «چه دلالتی برای نقض آرا کیفری در اعمال ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری وجود دارد؟» محقق در پی ضرورت پاسخ به این پرسش، تحقیقی در این زمینه را ارائه داده است.

۳-۱ ضرورت پژوهش

تجدیدنظر و اعتراض به آراء قضایی محاکم دادگستری از مباحث مهم و عمده‌ی قوانین مربوط به محاکمه و مجازات است. راه‌های اعتراض و تجدیدنظر نسبت به آراء محاکم دادگستری به راه‌های عادی و طرق فوق العاده یا استثنایی تقسیم می‌شوند. تجدیدنظر خواهی و فرجام خواهی دو راه اعتراض عادی و عمومی برای احکام صادره از دادگاه است و وقتی رای دادگاه پس از بررسی در مرحله تجدیدنظر یا تأیید در مرحله فرجام خواهی در دیوان عالی کشور قطعی می‌شود، برای اجرا آماده است و علی القاعده دیگر نباید تعرضی به آن صورت بگیرد؛ اما قانونگذار برای جلوگیری از هرگونه اشتباه در اجرای احکام، طرق دیگری مانند اعتراض به احکام از طریق دادستان کل کشور، اعاده‌ی دادرسی و اعتراض رئیس قوه‌ی قضائیه به احکام خلاف بین شرع را به عنوان راه های فوق العاده اعتراض به احکام شناخته است. به همین منظور در این پژوهش سعی شده به بررسی خلأهای قانونی ماده‌ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری پرداخته شود.

۴-۱ اهداف پژوهش

بررسی دلایل نقض آراء کیفری در اعمال ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری

۴-۱-۲ هدف فرعی

بررسی موارد ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری

بررسی شرائط اشکال در آراء کیفری

۱-۵ پرسش های پژوهش

۱-۵-۱ پرسش اصلی

چه دلایلی برای نقض آراء کیفری در اعمال ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری وجود دارد؟

۱-۵-۲ پرسش های فرعی

ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری دارای چه مواردی می باشد؟

آراء کیفری در چه شرایطی دچار اشکال می شود؟

۱-۶ فرضیه های پژوهش

۱-۶-۱ فرضیه ی اصلی

به نظر می رسد دلایلی برای نقض آراء کیفری در اعمال ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری وجود دارد.

۱-۶-۲ فرضیه های فرعی

به نظر می رسد ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری دارای مواردی می باشد.

به نظر می رسد شرایطی سبب اشکال در آراء کیفری می شود.

۱-۷ پیشینه ی پژوهش

با توجه به اهمیت نحوه ی اجرای ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری متأسفانه تحقیقات وسیعی در این زمینه انجام نگرفته است. در زیر، چند نمونه از تحقیقات ارائه شده است.

۱- حسن زاده (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان: "تحلیل قلمرو" جهت مخالفت با موازین شرعی"، در

نقض آرای محاکم"، چنین برداشت نمودند که: «در قوانین مربوط به دادرسی (مواد ۳۴۸ و ۳۷۱

قانون آئین دادرسی مدنی و ماده ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری) «مخالفت با موازین شرعی» به

عنوان «جهت» (عامل) نقض آرای محاکم، اعلام شده است. وضعیت قلمرو این عامل از این جهت که

همه آرای محاکم را در بر می گیرد یا صرفاً مربوط به آرای است که به استناد منابع و فتاوی فقہی و بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ ق.آ.د.م. صادر می شوند، مطلبی مهم است که لازم است بررسی و تحلیل شود. اجرای این جهت به گونه ای که موجب نقض آرای صادر شده بر اساس قوانین شود، نقض قوانینی را که آرای محاکم به استناد آن صادر می شود در پی دارد و چنین پیامدی با قانون اساسی و نظام حقوقی مقرر در آن سازگار نیست و سبب تزلزل قوانین و اختلال نظام حقوقی می شود. از این رو، در جهت حل این مشکل اساسی ناچاریم جهت نقض مورد بحث را منصرف از حالت هایی بدانیم که اجرای آن، نقض آرای صادر شده بر اساس قوانین را موجب می شود».

۲- رحیمی (۱۳۹۷)، در مطالعات خود با عنوان: "مفهوم و آثار اعاده دادرسی به جهت مخالفت رای با شرع بین موضوع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری"، "چنین ابراز نمودند که: «تجدید نظر و اعتراض به آراء قضایی محاکم دادگستری از مباحث مهم و عمده قوانین آیین دادرسی است. رسیدگی ماهوی در دو مرحله دادرسی نخستین و تجدید نظر، درستی و صحت حکم دادگاه را به طور نسبی تضمین میکند و همین اندازه، به حکم قطعی، اثر اجرایی می بخشد. چهره دیگری از این بازنگری که پس از قطعیت حکم با درخواست محکوم علیه، خود را نشان میدهد، اعاده دادرسی است. اما قانونگذار برای جلوگیری از هرگونه اشتباه در اجرای احکام، طرق دیگری مانند اعتراض به احکام از طریق دادستان کل کشور، اعاده داد رسی و اعتراض رئیس قوه قضائیه به احکام خلاف بین شرع از طریق اعمال ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب را به عنوان راههای فوق العاده ی اعتراض به احکام شناخته است. —هـ موجب ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، ماده ۱۸ و اصلاحات بعدی آن، صراحتاً نسخ گردیده است. حکم مقررهی مذکور، با تغییراتی در ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک. ابقا گردیده است. مفهوم عبارت «خلاف شرع بین» که در ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است دارای ابهامات بسیاری است که نیاز به بررسی دارد. تحقیق حاضر می کوشد به تبیین و بررسی مفهوم «خلاف شرع بین» و آثار اعاده ی دادرسی به جهت مخالفت رای با خلاف شرع بپردازد»

۳- بهاری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ی خود با عنوان "اعاده‌ی دادرسی کیفری بر اساس خلاف بین شرع موضوع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری"، چنین نتیجه‌گیری نمودند که: «دادرسی کیفری با حقوق فردی افراد در ارتباط مستقیم است و می‌تواند عدالت فردی را محقق سازد. در فرآیند دادرسی کیفری باید اصول و مقرراتی رعایت گردد تا انصاف و عدالت برقرار شود. یکی از مهم‌ترین اصول در این فرآیند حق تجدیدنظرخواهی و اعتراض به آرا است. روش‌هایی برای اعتراض به آرا وجود دارد که یکی از آن‌ها مطابق با ماده ۴۷۷ قانون دادرسی کیفری، اعاده‌ی دادرسی به صورت فوق‌العاده و توسط ریاست قوه‌ی قضائیه می‌باشد. این مقام ارشد قضایی اختیار دارد که اگر احکام دادگاه‌ها را که قطعی شده است خلاف بین شرع تشخیص داد برای رسیدگی مجدد به دیوان عالی کشور ارسال دارد. حال سوال این است که خلاف بین شرع به چه مفهومی است و به عبارت دیگر چه معیارهایی برای تعیین آن وجود دارد از سوی دیگر آیا تنها ریاست قوه‌ی قضائیه است که می‌تواند به این موضوع اعتراض نماید یا مقامات دیگر نیز این اختیار را دارند به نظر می‌رسد که خلاف بین شرع به این معنی است که رای یا قرار صادره به طور آشکار با مسلمات فقهی در تعارض قرار داشته باشد و این موضوع را ریاست قوه‌ی قضائیه تشخیص خواهد داد. البته به ماده‌ی ۴۷۷ انتقادات فراوانی وارد شده است که تا حدود زیادی نیز به جا و منطقی به نظر می‌رسد. نباید فراموش کرد که افزایش اختیارات مقام قضایی و ایجاد تزلزل در آرا می‌تواند خود موجب بی‌عدالتی باشد. بنابراین باید ماده‌ی مذکور تفسیر مناسبی داشته باشد و رویه‌ی قضایی در این خصوص راه‌حل‌های منطقی و مناسبی ارایه نماید»

۴- فرخوش انجام و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقات خود با عنوان: «مروری بر ماده‌ی ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری»، چنین بیان نمودند که: «تجدیدنظر و اعتراض به آراء قضایی محاکم دادگستری از مباحث مهم و عمده قوانین مربوط به محاکمه و مجازات است. راه‌های اعتراض و تجدیدنظر نسبت به آراء محاکم دادگستری به راه‌های عادی و طرق فوق‌العاده یا استثنایی تقسیم میشوند. تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی دو راه اعتراض عادی و عمومی برای احکام صادره از دادگاه است و وقتی رای دادگاه

پس از بررسی در مرحله تجدیدنظر یا تایید در مرحله فرجام خواهی در دیوان عالی کشور قطعی میشود، برای اجرا آماده است و علی القاعده دیگر نباید تعرضی به آن صورت بگیرد اما قانونگذار برای جلوگیری از هرگونه اشتباه در اجرای احکام، طرق دیگری مانند اعتراض به احکام از طریق دادستان کل کشور، اعاده دادرسی و اعتراض رییس قوه قضائیه به احکام خلاف بین شرع از طریق اعمال ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب را به عنوان راه های فوق العاده اعتراض به احکام شناخته است. بموجب ماده ۵۷۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، ماده ۱۸ معروف و اصلاحات بعدی آن صراحتاً نسخ گردیده است. حکم مقرر مذکور، با تغییراتی در ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک. ابقا گردیده است. در این مقاله سعی شد تا ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک. به اختصار مورد بررسی قرار گیرد».

۸-۱ ساماندهی پژوهش

این پژوهش سه فصل دارد. در ابتدا چکیده و کلیات پژوهش بوده که پس از مقدمه، به بیان مسأله، ضرورت پژوهش، اهداف پژوهش، پرسشهای پژوهش، فرضیههای پژوهش و پیشینهی پژوهش می پردازد. فصل اول (تعاریف و مفاهیم) شامل دو گف تار است. در گفتار اول: تعاریف اولیه به برخی تعاریف اولیه ی پژوهش از جمله رأی، آئین دادرسی و ماده ی ۴۷۷ آئین دادرسی پرداخته می شود. گفتار دوم: منابع قضائی مورد استفاده ی رئیس قوه ی قضائیه معرفی شده است.

فصل دوم (اختیارات رئیس قوه ی قضائیه در بررسی آراء) در دو گفتار به تبیین ماده ی ۴۷۷ و بررسی پیگیری آراء توسط رئیس قوه ی قضائیه می باشد. گفتار اول: تبیین ماده ی ۴۷۷، گفتار دوم: بررسی پیگیری آراء توسط رئیس قوه ی قضائیه می باشد.

فصل سوم (رویکرد نظام حقوقی ایران به نقض آراء در دیوان) به بررسی و تحلیل سازوکار رسیدگی به ماده ی ۴۷۷ قانون آئین دادرسی کیفری دارد. مبحث اول (تبیین ماده ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری) شامل دو گفتار

است. گفتار اول: محدوده ی شمول ماده ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری و گفتار دوم: ماده ی ۴۷۷ آئین دادرسی کیفری و چالش های مربوط است . در نهایت، نتیجه گیری است که شامل: نتیجه گیری، پیشنهادات و منابع می باشد.

فصل اول

تعاریف و مفاهیم